

بررسی بزه‌دیدگی اطفال معارض با قانون با رویکرد اتخاذ تدابیر حمایتی

مریم محمدی نوقی‌زاده،^۱ نسرین مهرا،^{۲*} محمد آشوری،^۳ امیر سماواتی پیروز

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله، نگاه به طفل یا نوجوان معارض با قانون بعنوان یک بزه‌دیده است تا یک بزه‌کار؛ به همین لحاظ اتخاذ تدابیر حمایتی از این اطفال و نوجوانان ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. مطالعات انجام شده درباره موضوع، مبین آن است که اطفال و نوجوانان معارض با قانون قبل از اینکه بزه‌کار شوند و یا در حین بزه‌کاری، بزه‌دیده واقع می‌گردند. لذا در برخورد و واکنش‌های اجتماعی نسبت به آن‌ها همواره این امر می‌بایست لحاظ گردد. لذا در این نوشتار تلاش گردیده تا بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان معارض با قانون بررسی و جستجو شود. این بزه‌دیدگی می‌تواند مربوط به قبل از بزه‌کاری، همزمان با آن و یا پس از بزه‌کاری در مرحله فرآیند سیستم عدالت کیفری باشد. اتخاذ تدابیر حمایتی بعنوان یک بزه‌دیده در خصوص اطفال و نوجوانان معارض با قانون امری اجتناب‌ناپذیر است؛ در غیر اینصورت بزه‌کاری روز به روز در آن‌ها نهادینه‌تر شده و به بزرگسالان بزه‌کار تبدیل می‌گردند.

واژگان کلیدی: بزه‌دیدگی، اطفال و نوجوانان معارض با قانون، سیستم عدالت کیفری، قضاودایی، تدابیر حمایتی.

* دانش‌آموخته دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) docnas@mail.com

*** استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

مقدمه

جرم اعم از اینکه از سوی بزرگسالان و یا اطفال و نوجوانان ارتکاب یابد، پیامدهایی از جمله اختلال در نظم و سلب امنیت و آرامش عمومی را دربردارد. آمارهای موجود متأسفانه حکایت از این دارد که جرائم کسانی که هنوز به سن بلوغ کیفری (۱۸ سال) نرسیده‌اند از یک سو دائماً رو به افزایش است و از سوی دیگر از خشونت بیشتری برخوردار است. نکته مهم و قابل توجه اینکه دقت لازم در وضعیت اینگونه بزهکاران ما را به این واقعیت هدایت می‌کند که بسیاری از اطفال و نوجوانان بزهکار، در عین بزهکاری، خود افرادی آسیب‌پذیر و در معرض خطر قرار دارند. بدین ترتیب برخوردی حمایت‌گونه و پدرا نه، با استفاده از دست‌آوردهای علمی، با اینگونه افراد که اغلب خلافکاری‌های آنان به «گناهان دوران کودکی و نوجوانی» تعبیر می‌شود به منظور جلوگیری از تکرار جرم آنان در بزرگسالی امری ضروری است. (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۷)

آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان بر پایه معیار سن، آنان را بیش از بالغان و بزرگسالان در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که در پس بزهکاری کودکان و نوجوانان باید در جستجوی بزه‌دیدگی آنان بود. جرم‌هایی مانند تکدی‌گری، خرید و فروش مواد مخدر و روسپی‌گری از مواردی است که در آن می‌توان یک «کودک و نوجوان بزهکار - بزه‌دیده» را شناسایی کرد. (رایجیان اصل، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

از نظر گاه علوم جنایی، از نیمه دوم سده بیستم به این سو، گرایش‌ها و شاخه‌های جدیدی ایجاد شد که «سیاست جنایی ویژه یا فرق‌گذار» یکی از آنها بود و دستاورد بازتاب آموزه‌های جدید و نظریه‌های جرم‌شناسانه به شمار می‌رود. در راستای این سیاست جنایی ویژه، «بزه‌دیده‌شناسی کودکان و نوجوانان»، افزون بر مطالعه «کودکان و نوجوانان بزه‌دیده»، به منزله یکی از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان، حتی در بطن بزهکاری نوجوانان نیز بزه‌دیدگی آنان را جستجو می‌کند. این تعبیر را می‌توان با مفهوم «کودکان و نوجوانان بزهکار - بزه‌دیده» بیان کرد که دو برداشت از آن امکان‌پذیر است؛ نخست، پیاپی بودن بزهکاری و بزه‌دیدگی، بدین معنا که بزه‌دیدگی فرد می‌تواند پیامد بزهکاری او باشد؛ مانند نوجوانی که در آغاز در خرید و فروش مواد مخدر درگیر است، ولی سپس، برای جلوگیری از لو رفتن باند خرید و فروش، به دست کسانی که او را به این کار گمارده‌اند، به قتل می‌رسد. دوم، رخداد متناوب بزه‌دیدگی در بطن بزهکاری؛ مانند کودکی که در تکدی‌گری درگیر است، ولی توسط خانواده یا دوستانش، به تناوب بزه‌دیده کودک‌آزاری می‌شود. (رایجیان اصل، ۱۳۹۰: ۱۳۹-۱۳۸)

به دیگر سخن، در اغلب موارد بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال همزمان اتفاق می‌افتد. گاهی اطفال برای ارتکاب اعمال مجرمانه استثمار می‌شوند. کودکانی که توسط باندهای مواد مخدر،

تکدی گری، روسپی گری استثمار می شوند و به اجبار مرتکب رفتارهای مجرمانه می شوند به ظاهر بزهکار، و در واقع بزه دیدگانی بیش نیستند. حتی در موارد اطفالی که رأساً رفتارهای معارض با قانون از آن‌ها سر می زند و تحت امر هیچ باند و گروهی نیستند و حتی از خانواده و اطرافیان خود دستور نمی گیرند، با بررسی رفتارها و سوابق آن‌ها شاهد بزه دیدگی نهادینه شده در این اطفال هستیم. اصولاً این اطفال در جریان رشد خود یا بزه دیده واقع شده‌اند و یا حداقل تدابیر حمایتی که در راستای پیشگیری جامعه مدار و رشد مدار در خصوص آن‌ها می‌بایست اتخاذ گردد، نادیده انگاشته شده است. از طرفی پس از ارتکاب جرم و رفتارهای معارض با قانون توسط کودکان و نوجوانان، آن‌ها در فرآیند سیستم عدالت کیفری قرار گرفته و بزه دیدگی دیگری را در این سیستم در مراحل مختلف تحقیق و رسیدگی، تعیین مجازات و اجرای حکم تجربه می‌نمایند.

اتخاذ تدابیر حمایتی مناسب برای اطفال بزهکار در حالت‌های مختلف که به آن‌ها اشاره شد، مستلزم جستجو و شناخت موارد بزه دیدگی‌شان در این شرایط است.

فقط چاره اندیشی برای رفع مشکلات کودکان و نوجوانانی که با هنجارهای اجتماعی در تضادند و رفتار آنان در قالب وصف جزایی و یا خلاف و غیرعادی قابل تفسیر و تعبیر است، کفایت نمی‌کند. باید دانست که کودکان و نوجوانان واجد وصف مزبور به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی در شرایط نامطلوبی قرار داشته‌اند. وجود این شرایط بگونه‌ای بوده است که وضعیت آنان را مخاطره‌انگیز و یا دشوار کرده است. نهادهای دولتی و جامعه مدنی باید پیش از اینکه شرایط بحرانی مزبور، رفتار کودکان و نوجوانان را در تضاد با هنجارهای اجتماعی نمایان سازد، به یاری ایشان بشتابند و آنان را از ورطه هلاکت و سقوط نجات بخشند. در حقیقت این کودکان و نوجوانان در معرض خطر و آسیب که محصول نابسامانی‌های خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر روابط جامعه‌اند، رفتار و اعمالشان در مغایرت با هنجارهای اجتماعی، وصف مجرمانه یا خلاف به خود گرفته و معارض با قانون شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر، کودکان و نوجوانان معارض با قانون امروز جامعه ما، همان اشخاصی‌اند که در زمانی نه چندان دور مورد بی‌مهری اولیای خانوادگی و اجتماعی خود قرار گرفته‌اند و در معرض خطر و بزه دیدگی بوده‌اند. (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۳)

اطفال معارض با قانون این حق را دارند تا به گونه‌ای با آن‌ها رفتار شود که منجر به ارتقاء توانبخشی و استقرار مجدد آن‌ها در جامعه با نقشی سودمند و سازنده شود. (اصلاحات کیفری بین‌المللی^۱، ۲۰۱۳: ۱۰)

کمیته حقوق کودک در تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۶ انجام داده، در نتایجی که از گزارش‌های دوره‌ای گرفته، اعلام می‌دارد: بسیاری از کودکان احساس می‌کنند توسط مددکاران اجتماعی،

^۱ . Penal Reform international

افسران مربوطه، مراقبین، قضات، پرسنلی که با کودکان معارض با قانون در ارتباط هستند و سایر حرفه‌ای‌ها در این حوزه، در موضوعات مؤثر بر آن‌ها، شنیده نمی‌شوند. (سی آر سی^۱، ۲۰۰۶: ۶)

در اسناد بین‌المللی علاوه بر اسنادی که به طور کلی در راستای حمایت از حقوق کودکان می‌باشد، اسنادی نیز به حمایت از حقوق اطفال معارض با قانون می‌پردازد. مانند حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوانان (قواعد پکن)^۲ که در بردارنده اصول و رهنمودهایی برای مدیریت مناسب عدالت نوجوانان و رهنمودهایی برای اجرای عدالت در مورد کودکانی که به دادگاه اطفال فرستاده می‌شوند، سن مسئولیت کیفری، تعقیب کیفری نوجوانان، مجازات‌ها و استانداردهایی برای توقیف و زندانی کردن نوجوانان می‌باشد. همچنین رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)^۳ که استانداردهایی را برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، شامل حمایت از کودکانی که در معرض خطر بزهکاری هستند و معیارهایی که می‌تواند این خطر را خنثی نماید، بیان می‌دارد. ارتقاء بخش‌های مختلف اجتماع مانند خانواده، جامعه، رسانه و سیستم آموزشی روش پیشگیری از بزهکاری نوجوانان را نیز تشریح می‌نماید. سند دیگر، قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (قواعد هاوانا)^۴ می‌باشد. در این قواعد، اصولی برای نوجوانان محروم از آزادی برشمرده شده و استانداردهایی را برای نحوه بازداشت، حمایت از نوجوانانی که در بازداشت به سر می‌برند، برنامه‌های آموزشی، شغلی آن‌ها و ... بیان می‌دارد.

الف) همزمانی بزه‌دیدگی و بزهکاری

در بررسی همزمانی بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال، دو وضعیت متفاوت متصور است؛ اول، بزه‌دیدگی اطفال بزهکاری که برای رفتارهای معارض با قانون استعمار شده‌اند؛ دوم، اطفال معارض با قانونی که بدون استعمار برای رفتارهای مجرمانه، بزهکاری در آن‌ها نهادیه گردیده است.

۱. اطفال بزهکاری که برای انجام رفتارهای معارض با قانون استعمار شده‌اند:

از دیرباز، کودکان به عنوان آلت دستی برای ارتکاب جرم مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند؛ حال در مقاطع مختلف زمانی، این جرائم مشابه و یا متفاوت بوده‌اند. در زمانی اطفال برای جرائمی مانند جیب‌بری و تکدی‌گری استعمار شده و به دام باندهای مربوطه می‌افتادند و در زمانی دیگر آن‌ها

1. CRC

2. UN Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice 1985 (Beijing Rules)

3. UN Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency 1990 (Riyadh Guidelines)

4. UN Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty 1890 (Havana Rules)

برای جرائمی مانند هرزه‌نگاری و فعالیت‌های تجاری مربوط به فحشا (پورنوگرافی) و خرید و فروش مواد مخدر توسط باندهای مخوف‌تری استثمار می‌گردند. این در حالیست که پیمان‌نامه حقوق کودک که استانداردها و معیارهای قانونی الزام‌آوری را در بردارد در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تدوین و تصویب شده و در پروتکل الحاقی آن، همچنین برخی از مواد پیمان‌نامه مانند مواد ۳۴، ۳۵ و ۳۶، حمایت از کودکان در مقابل استثمار و سوءاستفاده از آن‌ها در فحشا و هرزه‌نگاری، درگیری در تولید غیرقانونی و مخفیانه مواد مخدر و روان‌گردان، فروش و قاچاق کودکان پیش‌بینی شده است.

کلیه دولت‌ها باید پیمان‌نامه حقوق کودک و دو پروتکل الحاقی آن را در زمینه شرکت کودکان در درگیری‌ها و مناقشات مسلحانه و جنگ‌ها و در زمینه فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان تصویب و اجرا نمایند. کلیه شروط و استثنائاتی که کشورها برای خود قائل شده‌اند که با هدف و ماهیت پیمان‌نامه و پروتکل‌های الحاقی مغایرت دارند باید براساس بیانیه وین و برنامه عملیاتی کنفرانس جهانی در زمینه حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ ملغی اعلام شود. (سرجیو پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۲۴)

بدیهی است در مواردی که کودکان برای ارتکاب جرائمی استثمار می‌گردند بیشتر از اینکه بزهکار بوده و سزاوار مجازات باشند، بزه‌دیده‌اند و مستحق حمایت‌های لازم برای قطع روند بزه‌دیدگی و برگرداندن آن‌ها به شرایط عادی زندگی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه می‌باشند. این در حالیست که وقتی یک کودک یا نوجوان برای ارتکاب جرمی دستگیر می‌شود، ابتدائاً به عنوان یک بزهکار به مراجع قضایی مربوطه اعزام و در بهترین حالت بعد از تعیین مجازات و اعزام به کانون اصلاح و تربیت، به برخی مسائل مربوط به بزه‌دیدگی او پرداخته می‌شود. در حالیکه علاوه بر بزه‌دیدگی که در مراحل مختلف دادرسی به وی تحمیل می‌گردد (موضوع بند «ب» مقاله حاضر)، این کودک یا نوجوانی که تحت استثمار بزرگسالان و یا باندهای مربوطه دست به جرم زده است در بدو امر یک بزه‌دیده است و از لحظات اول کشف جرم و دستگیری او، می‌بایست تمامی حمایت‌هایی که یک طفل بزه‌دیده مستحق برخورداری از آنست، در دسترس چنین کودکی قرار داده شود.

کودکانی که برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه استثمار می‌شوند، علاوه بر اینکه اجبار به ارتکاب اعمال مجرمانه توسط کودکان، خود موجب بزه‌دیدگی آن‌هاست، به انحاء مختلف از طرف باندهای مربوط و بزرگسالان به کرات مورد خشونت‌های جسمی و جنسی و روانی قرار می‌گیرند. با این وصف بدیهی است که وقتی کودکی با این شرایط بعنوان بزهکار مقابل مراجع تعقیب و قضایی قرار می‌گیرد قبل از هر اقدامی می‌بایست بعنوان طفلی بزه‌دیده از حمایت‌های مربوطه برخوردار گردد.

۲. اطفال معارض با قانون که بدون استثمار برای رفتارهای مجرمانه، بزه‌دیدگی در آن‌ها نهادینه گردیده است:

با نادیده گرفتن اقدامات لازم در راستای پیشگیری‌های اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار، در برخی موارد اطفال گرایش به انحرافات و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی و معارض با قانون پیدا می‌نمایند.

انسان به عنوان موجودی اجتماعی بلافاصله پس از تولد و حتی قبل از آن نیز تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار دارد و شخصیتش در تعامل با محیط اجتماعی پیرامون وی شکل می‌گیرد. این محیط اجتماعی متشکل از محیط اجتماعی کلان و خرد است. در بُعد محیط اجتماعی کلان فرد تحت تاثیر سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در قالب پیشگیری جامعه‌مدار در جرم‌شناسی کلان از آن بحث می‌شود و در بُعد محیط اجتماعی خرد یا نزدیک به خرد نهادهای جامعه‌پذیری نخستین که فرد اولین ارتباطات اجتماعی را با آنان برقرار می‌کند یعنی خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه مورد بحث قرار می‌گیرد. لذا پیشگیری اجتماعی به دو شاخه پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار تقسیم می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری است، اقدامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال می‌شود و در پیشگیری اجتماعی رشدمدار عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در نهادهای جامعه‌پذیری نخستین خانواده، مدرسه و گروه همسالان مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرد و با اتخاذ تدابیر مناسب و مرتفع کردن شرایط خطر در این محیط‌ها پیشگیری را محقق می‌نماید. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۹؛ به نقل از خواجه‌نوری، ۱۳۸۳: ۳۱۰-۳۰۹)

اصولاً در پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار، اقدامات زیربنایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در سطح کلان جامعه و در سیاست‌گذاری‌های کلی مدنظر می‌باشد. تخصیص سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، مساعی همه‌جانبه، گردآوری اطلاعات، در اولویت قرار دادن رفاه افراد جامعه توسط دولت و عملکرد صحیح و به موقع، افزایش آگاهی و ترویج ارزش‌های عاری از خشونت، و خلاصه اینکه ایجاد تغییر و تحولی واقعی در وضعیت زندگی اطفال مستلزم دخالت مستقیم دولت می‌باشد.

پیشگیری جامعه‌مدار راهبرد نسبتاً زمان‌بری برای پیشگیری از جرم ترسیم می‌کند. این نوع از پیشگیری در ایران علاوه بر صدر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اصل راهبردی «حقوق پیشگیری ایران» محسوب می‌شود، در اصول راهبردی دیگر قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است: تأکید بر اهمیت خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه (اصل دهم)، حمایت از مادران

در نگهداری و تربیت فرزندان (اصل بیست و یکم)، فراهم کردن فرصت‌های شغلی (اصل بیست و هشتم)، تأکید بر فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسط (اصل سی‌ام)، تأمین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل سی و یکم) و تنظیم اقتصاد ایران به گونه‌ای که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده و اشتغال کامل) تأمین شود. (اصل چهل و سوم) (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶۹-۶۱)

پیش‌بینی‌هایی از این دست در قوانین عادی نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله در قانون مدنی، قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، قانون تأمین فرزندان و کودکان بی‌سرپرست، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، آئین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، آئین‌نامه اجرایی شیرخوارگاه‌ها و مهدکودک‌ها و قانون حمایت خانواده و ...

فقر علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین وضعیت‌های مخاطره‌آمیز محیطی برای همه جامعه و به ویژه اطفال می‌باشد، زمینه بسیاری از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز شخصی یا خانوادگی را فراهم می‌کند. برای مثال از مهم‌ترین عوامل طلاق، به وجود آمدن اطفال معارض با قانون، ازدواج اطفال، قاچاق اطفال، کار اطفال و بسیاری از وضعیت‌های دیگر، فقر می‌باشد. فقر رابطه نزدیکی با بدرفتاری و به خصوص بی‌توجهی دارد و به خصوص وقتی که با دیگر عوامل خطر همراه شود احتمال بدرفتاری را افزایش می‌دهد. (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۳، به نقل از دارک و پندی، ۱۹۹۶)

علاوه بر فقر سایر معضلات اجتماعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، بهداشتی، پزشکی، فرهنگی و آموزشی و ... در رشد و تعلیم و تربیت اطفال تأثیر سوء داشته و پس از بزه‌دیده واقع نمودن آن‌ها، در برخی موارد منجر به بزهکاریشان می‌گردد؛ لذا در عملکرد دولت در سطح کلان و اقدامات زیربنایی به نظر اقداماتی در حوزه‌های مذکور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در پیشگیری رشدمدار که به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکار به منظور پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری در آینده بوده، تأکید بر بزهکاری ملاحظه می‌شود. در پیشگیری زودرس یا رشدمدار مباحثی مانند اقدامات قبل از تولد و حتی قبل از بارداری در راستای تعلیم و آموزش به خانواده‌ها، سپس برنامه‌های پیشگیری رشدمدار با محوریت خانواده جهت آموزش والدین کودک برای فراهم‌سازی محیط رشد صحیح فرزندانشان مطرح است. پس از آن در مهدکودک‌ها با طراحی بازی‌های قاعده‌دار و هدفمند و هشدارهای مناسب در راستای چگونگی زندگی بدون مبتلا شدن به ویروس‌های اجتماعی مدنظر است. سپس نقش آفرینی مدارس در بالا بردن توانایی و سطح مسئولیت‌پذیری کودکان با افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مدرسه، افزایش اعتماد به نفس آنها، آشنا نمودنشان با خطرات اجتماعی،

جرائم و نحوه مقابله با آلوده شدن به ارتکاب آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد و به همین ترتیب ادامه این روند رشد در اجتماع صورت می‌گیرد.

نگاهی به رویکرد بین‌المللی و تدابیر ملی در رابطه با پیشگیری از جرم نشان‌دهنده محوریت پیشگیری رشدمدار در سیاست جنایی سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، شورای اروپا و آمریکای شمالی است. (مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۰)

عدم توجه به هر یک از اقدامات پیشگیرانه اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار، نادیده انگاشتن حقوق بنیادین اطفال است. طفلی که حقوق بنیادین او نادیده گرفته شده، قطعاً بزه‌دیده است، پس ابتدا بزه‌دیدگی در این اطفال مزمین می‌شود و سپس در گذر زمان با کمبودها در حوزه‌های پیش‌گفته برخی از این اطفال به سمت رفتارهای معارض با قانون گرایش پیدا می‌کنند.

خشونت در خانه و فشار حاصل از فقر مزمین توأم با فقدان سامانه‌های کارآمد مراقبت و حمایت، به نقض قانون توسط بسیاری از کودکان منجر می‌شود. خشونت در خانواده و سوءرفتار با کودک، عامل اصلی مهاجرت کودکان از خانه به خیابان‌ها است. زمانی که کودکان در خیابان زندگی می‌کنند بسیاری از آن‌ها در رفتارهای پرخطری برای زنده ماندن درگیر می‌شوند که باعث می‌شود به نوعی قانون را نقض کنند از جمله دزدی‌های کوچک، پرسه‌زدن، تکدی‌گری و فحشا.

ب) بزه‌دیدگی در مراحل مختلف دادرسی

اطفال معارض با قانون با کشف جرائم ارتكابی توسط آن‌ها و دستگیریشان، در فرآیند سیستم عدالت کیفری قرار می‌گیرند؛ از مرحله بازجوئی‌های پلیس و تحقیقات توسط مقام قضایی گرفته تا محاکمه و تعیین مجازات و اجرای حکم.

اطفالی که می‌توان از آن‌ها به عنوان اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده یاد کرد، پس از پشت سر گذاشتن بزه‌دیدگی‌های ناشی از استثمارشان و یا نادیده گرفتن حقوق بنیادینشان، با ورود به این فرآیند، بار دیگر در معرض بزه‌دیدگی واقع می‌شوند.

در نظام‌های دادرسی کیفری غالب کشورهای، با توجه به دست‌آوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی و توصیه اسناد بین‌المللی، دادگاه ویژه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است.

دادرسی ویژه اطفال به مجموعه قواعدی منسجم گفته می‌شود که در زمینه کشف جرم و تعقیب، تحقیقات مقدماتی و نحوه دادرسی باید از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی به لحاظ ارتکاب عمل مغایر با قانون، تا خاتمه رسیدگی به اتهام او به منظور تأمین هدف دادرسی انسانی، حفظ منافع عالی کودکان و نوجوانان، رعایت گردد. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۳: ۳۸)

تا قبل از انقلاب مشروطه، محاکم شرعی با توجه به فقدان مسئولیت کیفری صغار، با الهام از احکام اسلامی از حیث صدور حکم و مجازات، بین اطفال و بزرگسالان تفاوت قائل بودند، ولی رسیدگی به جرائم اطفال از نظر آئین دادرسی همانند بزرگسالان بود. با تصویب قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، فصل هشتم قانون مزبور مواد ۳۴ تا ۳۹ به موضوع کیفیت رسیدگی به جرائم صغار و مجازات آن‌ها اختصاص یافت که رسیدگی به جرائم گروه‌های مختلف سنی صغار اگرچه جرم ارتكابی جنایت باشد، در صلاحیت دادگاه جنحه بود، مگر اینکه شریک یا معاون در دادگاه دیگری محاکمه می‌شد. عوامل مشدده کیفر از جمله تکرار جرم نسبت به آن‌ها اجرا نمی‌شد. در این قانون به نگهداری اطفال در دارالتأدیب اشاره شده بود بدون اینکه مشخصات آن و شیوه نگهداری صغار را معلوم کرده باشد. (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۲۲)

این ترتیبات ادامه داشت و تا قبل از قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود. قانونگذار در تدوین قانون مزبور به نوعی، به سیاست جنایی مشارکتی روی آورد. این قانون هر چند بزهکاری و نه انحراف اطفال را مدنظر داشت، لیکن علاوه بر وضع مقررات خاص و گسترده ناظر به رسیدگی، خانواده، معتمدین محل، برخی نهادها و غیره را در امر پیشگیری و مبارزه با بزهکاران طفل و نوجوان سهیم کرد. در این قانون از دست‌آوردهای جرم‌شناسی و تجارب کشورهای دیگر در برخورد با اطفال بهره گرفته شده بود. سازوکار دادرسی در این قانون چنین بود:

۱- تشکیل دادگاه اطفال در مرکز هر شهرستان

۲- ایجاد قانون اصلاح و تربیت در معیت دادگاه‌های مذکور (آشوری، ۱۳۹۲: ۶۴).

حسب ماده ۵ این قانون، دادگاه اطفال محل ارتكاب جرم یا محل اقامت و یا محل دستگیری طفل صلاحیت رسیدگی داشت. این موضوع از حیث تسهیل در رسیدگی و تعیین تکلیف هر چه سریع‌تر طفل در انجام تحقیقات، دادرسی و صدور حکم، مبتنی بر اصول دادرسی کیفری بود. اما به دلیل اینکه اجرای این قانون به مدت هفت سال به تعویق افتاد و به علاوه در بسیاری از نقاط کشور قانون‌های اصلاح و تربیت تشکیل نشده بود و حسب قانون، تأسیس دادگاه اختصاصی اطفال، منوط به تشکیل قانون اصلاح و تربیت بود، لذا در نقاطی که قانون تأسیس نشده بود، فاقد دادگاه اطفال بود و اطفال بزهکار طبق همان مواد قانون مجازات عمومی محاکمه و مجازات می‌شدند. همچنین در مراکزی که قانون تأسیس شده اما دادگاه اطفال تشکیل نشده بود، رسیدگی به جرائم صغار در دادگاه‌های جنحه ولی مطابق با قانون تشکیل دادگاه اطفال صورت می‌گرفت و در مناطقی که امکانات ایجاد قانون اصلاح و تربیت وجود نداشت، اطفال بزهکار در سنین مختلف در سالن‌های عمومی تحت عنوان «دارالتأدیب» نگهداری می‌شدند، در عین حال این قانون

مزایایی از جمله استفاده از مشاورین، قضات متخصص و مجرب، حضور و کیل در دادرسی‌های جنایی، بررسی شخصیت طفل بزه‌کار، سری بودن دادرسی اطفال، ساده بودن تشریفات دادرسی، تفویض اختیارات دادسرا در مرحله تحقیقات مقدماتی به قاضی دادگاه و امکان تجدیدنظر قانونی در حکم خود به موجب تغییر اوضاع و احوال طفل را داشت. (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۳)

نقایص فوق موجب شد قانون‌گذار قانون مجازات عمومی را در خرداد ماه ۱۳۵۲ اصلاح نماید. این قانون از حیث تعیین مجازات، اطفال را به ۶ تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۸ سال تقسیم کرده بود. همچنین به دادگاه اختیار داده شد برحسب گزارش‌هایی که از وضع طفل و رفتار او در دارالتأدیب دریافت می‌کند، در تصمیمات قطعی سابق خود یک بار تجدیدنظر کند، مدت نگهداری را کاهش داده و یا دستور تسلیم طفل به ولی یا سرپرست او را صادر نماید.

پس از انقلاب لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸، مصوب شورای انقلاب، رسیدگی را یک درجه‌ای و مقرر داشت که دادگاه‌های حقوقی و کیفری از سه نفر قاضی تشکیل شوند. ماده ۱۲ این قانون مقرر داشت: «به جرائم اطفال در دادگاه جزا به ترتیب مقرر در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار رسیدگی خواهد شد». بدین ترتیب هر چند رسیدگی به جرائم اطفال با ترکیبی که قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال تعیین کرده بود از بین رفت، با این همه قانون‌گذار به ضرورت رعایت آئین رسیدگی دادگاه‌های اطفال تأکید کرد. (آشوری، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۸)

با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱، و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان برحسب نوع و شدت جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ قرار گرفت. در قانون راجع به مجازات اسلامی و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۰ ملاک مسئولیت کیفری، رسیدن به سن بلوغ شرعی تعیین شد. سپس برای رفع خلاء دادگاه اطفال، وفق تبصره ماده ۸ آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ مقرر شد که رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضایی، هر یک از قضات دادگاه‌های عمومی را متناسب با تجربه و تبحر آنان با ابلاغ خاص برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان منصوب نماید. همین رویه به موجب ماده ۲۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ ادامه یافت. ماده ۲۱۹ مقرر داشت: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده می‌شود». در عین حال در تبصره این ماده مقرر شد به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌شود در این قوانین دادگاه ویژه‌ای برای رسیدگی به جرائم اطفال و

نوجوانان پیش‌بینی نشد، ضمن آن که ماده ۲۳۱ همان قانون مقرر می‌نمود که اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد. در عین حال در برخی مناطق نه تنها دادگاه خاصی را جهت رسیدگی به جرائم اطفال اختصاص ندادند، بلکه قاضی اطفال نیز همان قاضی بزرگسالان بود (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۷). لذا در نظام قضایی ایران دادگاه ویژه اطفال موضوعیت نداشت و مقنن دادگاه تخصصی و ویژه‌ای که انحصاراً به اتهامات اطفال و نوجوانان رسیدگی کند، پیش‌بینی و مقرر نکرده بود. (خالقی، ۱۳۹۰: ۳۱۵-۳۰۹)

نهایتاً در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی، به موجب ماده ۳۰۴ به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در ماده ۳۱۵ نیز دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان پیش‌بینی گردیده تا در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، در دادگاه مذکور مورد رسیدگی قرار گیرد و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد. تشکیلات و ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان نیز در مواد ۴۰۸ تا ۴۱۷ قانون مذکور پیش‌بینی گردیده است.

دادرسی اطفال و نوجوانان نیز در ماده ۲۸۵ این قانون پیش‌بینی گردیده و تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرائم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ قانون که بطور مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید. ضابطان دادگستری نیز اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را به موجب تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ندارند و در صورت دستگیری طفل یا نوجوان، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. تشکیل پرونده شخصیت نیز به موجب ماده ۲۸۶ این قانون، علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

به موجب ماده ۴۴۴ این قانون مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، نیز شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. مرجع فرجام‌خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است. ماده ۴۴۵ نیز مقرر داشته: «آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظرخواهی است».

حضور مشاوران از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته نیز در این قانون پیش‌بینی گردیده است.

در ماده ۳۱ قانون نیز آمده است: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود». در مواد ۵۲۵ به بعد نیز کانون‌های اصلاح و تربیت تعریف و بازدید از آن‌ها توسط قضات دادگاه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است. با پیشینه‌ای که از دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان گذشت وضعیت بزه‌دیدگی آن‌ها در سه مرحله ذیل قابل بررسی است:

۱. مرحله تحقیق و رسیدگی:

اصولاً اولین برخورد اطفال و نوجوانان معارض با قانون در سیستم عدالت کیفری، با مراجع انتظامی و سپس دادرسی و یا دادگاه می‌باشد.

پلیس مشخصاً جزء مهمی از فرآیند دادرسی نوجوانان است. در واقع، پلیس تعیین می‌کند که چه کسی مشتری دادرسی رسمی نوجوانان شود. وقتی شهروندان مطمئن شوند که نوجوانان درگیر مشکلات اخلاقی و غیرقانونی شده‌اند و به دنبال کمک یک نهاد رسمی دادرسی نوجوانان باشند، معمولاً به پلیس مراجعه می‌کنند. (الرود و رایدر، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

به منظور درک نقش پلیس در جامعه امروزی، بررسی «حقوق و وظایف» و همچنین «الگوهای رفتارهای مورد تأیید» برای آن‌ها در اجرای قانون ضرورت دارد. این نقش‌ها هم دارای ابعاد اجتماعی و هم روانی می‌باشند.

از نظر اجتماعی، نقش پلیس شامل موقعیت امور پلیسی در میان ساختارهای اجتماعی و فعالیت‌های افرادی است که وظایف پلیسی را انجام می‌دهند. بدیهی است که پلیس، قدرت و مسئولیت قابل ملاحظه‌ای دارد و وظایف متنوعی را به عنوان بخشی از شغل خود انجام می‌دهد. از نظر روانی، نقش پلیس ترکیبی از عقاید و دیدگاه‌هایی است که مردم (از جمله خود افراد پلیس) در مورد پلیس دارند. کاملاً بدیهی است که نقش پلیس در جامعه معاصر پیچیده و اغلب با تنش همراه است.

نقش پلیس از سه وظیفه اصلی تشکیل می‌شود: اجرای قانون، خدمات و حفظ نظم عمومی. نقش اجرای قانون پلیس، بر روی کشف، دستگیری و پیشگیری از رفتار غیرقانونی و مجموعه‌ای از مدارک برای پیگرد پرونده‌ها در دادگاه می‌توان استفاده کرد، معطوف می‌شود. نقش خدماتی پلیس شامل تلاش‌های پلیس برای کمک به شهروندان به روش‌های مختلف می‌باشد؛ مانند کمک به رانندگانی که خودروشان خاموش شده است، ارائه کمک‌های اولیه به افراد مجروح یا بیمار،

همراهی آمبولانس یا خودروهای آتش‌نشانی و ... نقش حفظ نظم عمومی، تلاش‌های پلیس برای مداخله در شرایط محل آرامش و یادگیری‌های بین دو یا چند فرد را شامل می‌شود؛ مانند حل اختلاف بین کارمند فروشگاه و مشتری، برخورد با گروهی از دانشجویان پرسروصدا که در یک مهمانی گروهی هستند و ...

نقش حفظ نظم عمومی پلیس بنا به دلایلی مهم است؛ اول اینکه، فعالیت‌های حفظ نظم عمومی بیشترین درصد فعالیت پلیس را تشکیل می‌دهد. دوم اینکه، فعالیت‌های محل نظم عمومی توانایی تبدیل به خشونت را دارند. سوم اینکه، پلیس در بررسی مسائل نظم عمومی احتیاط قابل ملاحظه‌ای دارد. چهارم اینکه، این مسائل معمولاً نوجوانان و خانواده‌هایشان را درگیر می‌کند. پلیس مرتباً با نوجوانانی مواجه می‌شود که ممکن است توسط پلیس و بعضی افراد جامعه به عنوان تهدیدکننده نظم عمومی شناخته شوند. به هر حال، مناسب‌ترین واکنش پلیس به مسائل تهدیدکننده نظم عمومی همیشه مشخص نیست. افسران پلیس ممکن است احساس کنند که گروهی از نوجوانان در یک گوشه خیابان نشانه یک موقعیت بالقوه مسئله‌ساز است که نیاز به مداخله دارد؛ اما نوجوانان دارای حق قانونی برای اجتماع و ابراز خود می‌باشند، حقی که پلیس ملزم به حفاظت از آن است. اگر پلیس توانایی متفرق کردن نوجوانان سرکش را نداشته باشد، ممکن است شهروندان شکایت کنند که پلیس بی‌تأثیر است یا توجه نمی‌کند. اگر گروه را متفرق کنند، اتهام آزار پلیسی را به روی خود گشوده‌اند. دیدگاه‌ها و رفتارهایی که توسط پلیس و نوجوانان در این رودویی‌ها نشان داده می‌شود، نقش بسزایی در شکل‌گیری دیدگاه‌هایی که هر کدام در مورد یکدیگر دارند ایفا می‌کند. بسیاری از افراد پلیس اذعان دارند که دستگیری نوجوانان برای اعمال غیرقانونی کوچک آسیب‌زننده است و بهتر است به روش‌های غیررسمی با آن مواجه شوند؛ چون برخورد پلیس با نوجوانان مکرراً رخ می‌دهد، آنها اغلب در شرایطی پر از استرس واقع می‌شوند و نقش مهمی را در شکل‌گیری رفتار متقابل پلیس و نوجوانان، ایفا می‌کنند؛ بنابراین ضروری است که پلیس درباره برخورد با جوانان به دقت آموزش ببیند. (الرود و رایدر، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

در ایران تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان در ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصطلاحات ۱۳۹۴ پیش‌بینی گردید؛ البته آئین‌نامه اجرایی آن تاکنون تصویب نگردیده است. مع الوصف در دی‌ماه ۱۳۹۴، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در مصاحبه‌ای با ایرنا به راه‌اندازی پلیس اطفال و نوجوانان در پایتخت اشاره کرد؛ با این توضیح که همزمان با تصویب و ابلاغ قانون جدید آئین دادرسی کیفری و به استناد ماده ۳۱ این قانون، زمینه راه‌اندازی این پلیس تخصصی فراهم و فعالیت پلیس تخصصی اطفال و نوجوانان از امروز در تهران بزرگ آغاز شد. در این نهاد از کارشناسان ارشد زن و مرد متخصص در علوم اجتماعی، روانشناسی و نیز مشاوره، بهره گرفته شده تا به امور اطفال و نوجوانان بزه‌کار و بزه‌دیده رسیدگی کنند. رسیدگی به آسیب‌های کودکان و

نوجوانان و پیشگیری از وقوع جرائم در این سن و تفکیک جرایم کودکان و نوجوانان از بزرگسالان یکی از اهداف ایجاد این پلیس می‌باشد. به دلیل اینکه شالوده شخصیت کودکان و نوجوانان به صورت کامل شکل نگرفته و سوءاستفاده از آنها در این سن می‌تواند باعث بروز جرائم در بزرگسالی آنها شود، پلیس پایتخت با ایجاد پلیس اطفال و نوجوانان سعی در جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی برای آنان که خود نوعی بزه‌دیده محسوب می‌شوند، دارد. بر این اساس در این نهاد از پلیس‌های زن که برخورد عاطفی‌تری با کودکان و نوجوانان دارند استفاده می‌شود تا کودکان و نوجوانان از حمایت قانونی بیشتری در برابر خطرات برخوردار شوند. تمامی کارکنان این پلیس تخصصی ضابط قضایی هستند و در کلاتری‌ها و پلیس‌های تخصصی پایتخت اقدامات خود را در زمینه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان دنبال خواهند کرد. (ایرنا، ۱۳۹۴/۱۰/۸)

با توجه به مراتب فوق نوآوری قانون آئین دادرسی کیفری نیز که در تیرماه ۱۳۹۴ اجرایی شد، تاکنون در پیچ و خم تصویب آئین‌نامه‌ای مانده است که هنوز انجام نشده است و موارد اعلامی فرمانده انتظامی تهران بزرگ نیز فقط حکایت از انجام امور مقدماتی، آن هم فقط در تهران دارد. با این وصف اطفال و نوجوانان بزهکار، در صورت دستگیری به کلاتری و مراجع انتظامی که بزرگسالان برده می‌شوند، می‌روند. البته به موجب تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری طفل یا نوجوان، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضاء وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

در عمل با توجه به کمبود نیرو و ... این امکان برای ضابطان دادگستری وجود ندارد که به محض دستگیری یک طفل یا نوجوان فوراً او را نزد مقام قضایی ببرند و در موارد بسیاری به کلاتری می‌روند و با یک مأمور بدرقه، چند متهم طفل یا نوجوان از کلاتری، راهی دادسرا یا دادگاه می‌شوند.

با توجه به نقش مهم و مؤثر پلیس در اولین مرحله ورود طفل یا نوجوان معارض با قانون به سیستم عدالت کیفری ناگفته پیداست که نداشتن پلیس تخصصی در این راستا در غالب موارد موجب بزه‌دیدگی ثانوی این کودکان می‌شود.

در مرحله تحقیق در مراجع قضایی نیز، علیرغم اینکه قضات دادسرا و دادگاه اطفال و نوجوانان ابلاغ ویژه از ریاست قوه قضائیه دارند، آموزش‌های لازم در رسیدگی به پرونده‌های کودکان معارض با قانون و نحوه برخورد با آنها بصورت دائمی و نظارت‌های مستمر صورت نمی‌گیرد؛

ضمن اینکه در کنار قضات، تعدادی کارمند نیز در این مجموعه‌ها مشغول به خدمت هستند که هیچگونه آموزشی جهت انجام کار خود در این مراجع قضایی ویژه ندیده‌اند.

۲. مرحله تعیین مجازات:

سیاست جنایی افتراقی و کارآمد، تدابیر علمی - کاربردی در حوزه‌های تقنین، قضا و اجراست. نظام تقنینی ایران در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان پس از حدود دو دهه از اواخر دهه هفتاد خورشیدی به بعد، پیرو تلاش مستمر جمعی از استادان برجسته حقوق کیفری و جرم‌شناسی و برخی قضات آگاه، مبادرت به تصویب دو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ کرد.

مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی در راستای تحقق قواعد ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد، در گامی رو به جلو در جرائم مستوجب تعزیر، حداقل سن شروع مسئولیت کیفری (۹ سال تمام خورشیدی) را بدون تبعیض جنسیتی و سن مسئولیت پلکانی یا تدریجی را (۹-۱۲، ۱۵-۱۲، ۱۸-۱۵ سالگی) ضمن تعیین رژیم متفاوت واکنش‌های اجتماعی (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی) متفاوت از بزرگسالان پذیرفت.

هر چند که خلأ قواعد مذکور در اعمال جرائم مستوجب حدود و قصاص، همچنان وجود دارد، اما در صورت اعمال بینش و تفسیر کودک‌مدارانه توسط قضات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های کیفری یک ویژه نوجوانان و قضات دیوان عالی کشور از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، مبنی بر فرض غیرقابل رد، احراز رشد یا کمال عقل و تشخیص حرمت شرعی اعمال مجرمانه ارتكابی بعد ۱۸ سالگی تمام، خلأ مزبور مرتفع است. تبصره همان ماده لحاظ فرض مزبور را برای قضات، قانونی می‌داند و قضات از هر طریق ممکن، هر چند با تشخیص و تبیین خود، می‌توانند رشد جزایی یا کمال عقل و تشخیص ماهیت و حرمت شرعی را فقط برای اشخاص دارای ۱۸ سال تمام خورشیدی احراز کنند. (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۱)

البته این واقعیت، غیرقابل انکار است که با لحاظ ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی امکان صدور حکم قصاص و اعدام برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال همواره فراهم است و این امر با کنوانسیون حقوق کودک در تعارض است.

قانون مجازات اسلامی، کودکان و نوجوانان را به منزله «بزهکار» نگریده است زیرا برای آنان ضمانت‌اجراهای جنایی نیز در نظر می‌گیرد. حتی در واگذاری تربیت به عهده سرپرست کودک، یک نوع ضمانت اجرای قانونی از جنس جنایی پیش‌بینی شده است. وانگهی، نگهداری نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت، یک اقدام تأمینی و تربیتی سالب آزادیست که با ماهیت «حبس» شباهت دارند. چنین نگرشی، با تأکید بر رویکردهای سزاگرایانه، در تعارض با حق‌های شناسایی

شدهٔ کودکان در سطح بین‌المللی است. (رایجیان اصل، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۱)

۳. مرحله اجرای حکم و پس از آن:

پس از صدور حکم محکومیت برای اطفال و نوجوانان معارض با قانون، خصوصاً در مواردی که منجر به حبس آن‌ها می‌شود، فرآیند دیگری برای بزه‌دیدگی ثانوی‌شان پیش روی آن‌ها قرار می‌گیرد.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی گردیده که دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند (ماده ۹۴). همچنین محکومیت کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است (ماده ۹۵) و
علیرغم این تمهیدات چنانچه طفل یا نوجوان به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شود، علاوه بر اینکه آزادی او سلب می‌گردد، وی در معرض خطر بزه‌دیدگی توسط افراد مرتبط با این کودکان در کانون اصلاح و تربیت قرار می‌گیرد.

پس از آزادی طفل از کانون اصلاح و تربیت نیز هیچگونه تمهیدات حمایتی اندیشیده نمی‌شود و مجدداً طفل با همان شرایط سابق به جامعه برمی‌گردد. مسئولیت کانون اصلاح و تربیت پشت درهای آن، پس از خروج کودک از آنجا، تمام می‌شود. در حالیکه جهت پیشگیری از تکرار جرم توسط این کودک، اقدامات حمایتی در این دوره بسیار حائز اهمیت و سرنوشت‌ساز می‌باشد.

ج) اتخاذ تدابیر حمایتی

از مطالب پیش‌گفته، واضح و مبرهن است که اطفال و نوجوانان معارض با قانون که خود در واقع به نوعی بزه‌دیده هستند با ورود به فرآیند سیستم عدالت کیفری، بزه‌دیدگی‌های دیگری را تجربه خواهند کرد.

در جهت حمایت از این اطفال و نوجوانان می‌توان با شیوه‌های رسیدگی مناسب مانند قضازدایی، از ورود این اطفال و نوجوانان به سیستم عدالت کیفری جلوگیری کرد و در صورت ورود در این سیستم نیز اقدامات حمایتی باید اتخاذ گردد تا اولاً آن‌ها با بزه‌دیدگی ثانوی روبرو نشوند، ثانیاً به بازپروری و ترمیم صدمات وارده به آنها پرداخته شود. با توجه به اینکه در قوانین ما چندان به این اقدامات حمایتی پرداخته نشده است، با ذکر نمونه‌هایی از این اقدامات در انگلستان می‌توان با بومی‌سازی آن‌ها، بهره لازم را برد.

۱. انتخاب شیوه رسیدگی مناسب به بزهکاری اطفال:

غیررسمی سازی بر مبنای یک سلسله دیدگاه‌های نظری، ضرورت‌های اجرایی - عملی و دیدگاه‌های انتقادی بنا گردیده (مهر، ۱۳۸۶: ۸۴ به نقل از کوهن^۱، ۱۹۸۵) که به منظور به چالش کشیدن مشروعیت کل نظام عدالت کیفری نوجوانان مطرح شده است. دیدگاه‌های غیررسمی به طور کلی ملاحظات رسمی را زیر سوال می‌برند، به این دلیل که فرآیندهای رسمی کیفری خاص اطفال و نوجوانان، اساساً آنان را با برچسب‌های مجرمانه انگ می‌زند. چنین برچسب‌زنی، توسط مراجع دولتی به صورت یکدست انجام نمی‌شود، چرا که نسبت به اطفال مؤنث، اطفال متعلق به طبقه کارگر و سیاه پوستان بیشتر اعمال می‌شود. بعلاوه برچسب‌زنی باعث واکنش‌های اجتماعی منفی می‌گردد که به نوبه خود دارای پیامدهای خاصی است. (مهر، ۱۳۸۶: ۸۴ به نقل از بکر^۲، ۱۹۶۳)

در مورد بزهکاری اطفال، قضا‌زدایی و تغییر در نحوه رسیدگی پیشنهاد می‌گردد. در این راستا، دولت‌ها به منظور رسیدگی به مواردی که کودکان قوانین جزایی را نقض می‌کنند باید قوانین و آئین دادرسی را تصویب و ارتقاء دهند، بدون متوسل شدن به آئین دادرسی قضایی، که حقوق انسانی و امنیت حقوقی این اطفال را با احترام کامل فراهم نماید (اصلاحات کیفری بین‌المللی، ۲۰۱۳: ۴۵). همچنین به جرائم نوجوانان بدون توسل به سیستم محاکمه رسمی رسیدگی شود، وقتی که این خدمات بهترین منافع را برای نوجوانان در بردارد^۳ و این کودکان مقارن با حمایت‌های اجتماعی و خدمات و مداخلات مناسب تعقیب گردند. (همان منبع، ۴۶)

قضا‌زدایی و تغییر در شیوه رسیدگی به جرائم اطفال در مقایسه با سیستم عدالت کیفری رسمی که می‌تواند بسیار سخت و سنگین بوده و نسبت به نیازهای کودکانی که اغلب برای بار اول و جرائم غیر مهم وارد این سیستم می‌شوند دارای مزایای متعددی می‌باشد.

معیارهای قضا‌زدایی، در عمل منجر به عدم مداخله^۴، اظهار یا اخطار رسمی^۵، خدمات حمایتی^۶، کار داوطلبانه^۷، مداخله خانواده^۸، معیارهای عدالت ترمیمی^۹ (مانند میانجی‌گری^{۱۰})، تبادل نظر^{۱۱} (...)، استفاده از ضوابط و معیارهای متنوع^{۱۲} می‌گردد.

البته لازم به ذکر است که استفاده از قضا‌زدایی همیشه مقدر نیست و در ابتدا و اولین قدم در

-
1. Cohen
 2. Becker
 3. Council of Europe Guidelines on Child-friendly Justice; Beijing Rules, Rule 11
 4. Non - intervention
 5. Cautions or formal warning
 6. Support services
 7. Voluntary work
 8. family interventions
 9. Restorative justice measures
 10. Mediation
 11. Conferencing
 12. Using a variety of measures

هر مورد تعیین کردن این امر است که این مورد مناسب برای رسیدگی به این روش هست یا خیر. بعنوان مثال این شیوه رسیدگی برای جرائم سنگین مانند قتل و تجاوز به عنف مناسب نیست، همچنین جایی که کودک نمی‌خواهد مسئولیت کار خود را بپذیرد، این روش پاسخگو نخواهد بود. این شیوه معمولاً محدود به مواردیست که کودک برای اولین بار و به ندرت برای دومین بار، مرتکب جرم شده است و هرگز برای مجرمین به عادت نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. (همان منبع، ۴۸-۵۳)

۲. مرحله دستگیری طفل بزهکار:

اولین مواجهه کودک با سیستم عدالت کیفری اثرات ماندگاری بر او به جا می‌گذارد، لذا این اولین مواجهه از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مواجهه، اصولی می‌بایست رعایت گردد از جمله حصول اطمینان از درک کودک^{۱۳} از اطلاعاتی که در مورد اتهامش به او داده می‌شود، اطلاع دادن به خانواده یا مراقب،^{۱۴} پذیرفتن نماینده حقوقی^{۱۵} و تأمین ارزیابی طفل قبل از محاکمه^{۱۶} به لحاظ شخصیت او و شرایط و اوضاع و احوال وی. در خصوص ارزیابی طفل قبل از محاکمه، یک تیم مددکاری مجرمین جوان،^{۱۷} مسئول بررسی مواردی در خصوص شخصیت، وضعیت زندگی، دارایی و ... مجرم می‌باشد. نمونه ساختار یک گزارش تحقیقات اجتماعی در انگلستان^{۱۸} به شرح زیر است:

- ۱- ترتیبات زندگی^۱، ۲- روابط خانوادگی و شخصی^۲، ۳- آموزش، تعلیم و وضعیت استخدام^۳، ۴- حوالی محل زندگی^۴، ۵- سبک زندگی^۵، ۶- اجناس و اشیاء مورد استفاده^۶، ۷- سلامتی فیزیکی^۷، ۸- احساسات و سلامت روانی^۸، ۹- درک از خود و دیگران^۹، ۱۰- افکار و رفتار^{۱۰}، ۱۱- طرز برخورد با تخلف و جرم^{۱۱}، ۱۲- انگیزه تغییر کردن^{۱۲}، ۱۳- فاکتورهای مثبت^{۱۳}،

-
13. Ensure The child understands
 14. Inform parents and guardians
 15. Allow legal representation
 16. Secure pre-trial assessment
 17. a Youth Offending Team Worker
 18. Example of a social inquiry structure: ASSET - UK
 1. Living arrangements
 2. Family and personal relationships
 3. Education, training and employment
 4. Neighborhood
 5. Lifestyle
 6. Substance use
 7. Physical health
 8. Emotional and mental health
 9. Perception of self and other people
 10. Thinking and behavior
 11. Attitudes to offending

۱۴- میزان آسیب‌پذیری^{۱۴}، ۱۵- میزان صدمات شدید به دیگران^{۱۵}. (همان منبع، ۴۲)

در انگلستان و ولز، هنگامی که یک کودک (زیر سن ۱۸ سال) مورد بازداشت یا بازجویی قرار می‌گیرد پلیس باید یک بزرگسال واجد صلاحیت را فراخواند.^{۱۶} بزرگسال مورد نظر می‌بایست در پروسه حضور کودک در پلیس شامل بازجویی^{۱۷}، تفتیش و بازرسی^{۱۸}، تشریفات تعیین هویت^{۱۹} حاضر باشد که جزئیات آن در قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ آمده است. در ارتباط با اطفال در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، بزرگسال واجد صلاحیت و نقش او به‌عنوان تأمین‌کننده منافع کودک و افراد جوان بازداشت شده یا مورد بازخواست قرار گرفته توسط افسر پلیس، تعریف شده است.^{۲۰} یک بزرگسال واجد صلاحیت عبارتست از والدین، مراقب یا مددکار اجتماعی، یا اگر این افراد در دسترس نباشند، هر شخص مسئول بالای ۱۸ سال. این واژه در قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴^{۲۱} معرفی و در انگلستان و ولز اعمال می‌گردد. (پیرپونت^{۲۲}، ۲۰۰۸: ۹۹۸)

۳. مرحله محاکمه و تعیین مجازات:

در مرحله محاکمه، کودکان دارای حق داشتن مشاوره حقوقی و مساعدت صحیح دیگران در تدارک و ارائه دفاعیاتشان می‌باشند. دولت‌ها باید این حق را به منظور مساعدت حقوقی در سیستم‌های حقوقی ملی در بالاترین سطح ممکن تضمین کنند و مساعدت حقوقی فراهم شده برای بچه‌ها باید در جهت تأمین بهترین منفعت برای کودک اولویت‌بندی شود، و قابل دسترسی و چند زمینه‌ای^۲ وابسته به چند رشته علمی مؤثر و پاسخگو به نیازهای خاص حقوقی و اجتماعی کودکان باشد.^۳ هیچگونه اخبار یا اطلاعات شخصی از طفل بزهکار نباید در دسترس دیگران قرار بگیرد یا منتشر شود به ویژه در رسانه‌ها، که ممکن است این اطلاعات را فاش کنند و یا به طور غیرمستقیم موجبات افشای هویت کودک، تصاویر او، نام و آدرس او و اعضای خانواده‌اش را فراهم کنند.^۴ هرگونه واکنشی نسبت به مجرمان نوجوان همواره می‌بایست متناسب با اوضاع و احوال مجرم و جرم واقع شده، باشد.^۵ نهایتاً در مرحله محاکمه^۶، اجتناب از تأخیر غیرضروری^۷، محاکمه عادلانه و

12. Motivation to change

13. Positive factors

14. Indicators of vulnerability

15. Indicators of serious harm to others

۱۶. این سرویس برای بزرگسالان آسیب‌پذیر نیز فراهم می‌باشد.

17. interview

18. intimate searches

19. identification procedures

20. Section 98 (4) (a)

21. Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE)

22. Pierpoint

2. Multidisciplinary

3. Council of Europe Guidelines on Child-Friendly Justice; Principles and Guidelines on Access to Legal Aid in Criminal Justices Systems, Principle 1

4. Principles and Guidelines on Access to Legal Aid in Criminal Justices Systems, Guideline 10

5. Beijing Rules, Rule 5

بی‌طرفانه^۸، محیط دوستانه^۹، مشاور و نماینده حقوقی^{۱۰}، حضور والدین و مراقب^{۱۱}، حق بر شنیده شدن و بیان نقطه نظرات^{۱۲}، از حقوق بزه‌کار نوجوان می‌باشد. در مرحله تعیین مجازات^{۱۳}، تناسب^{۱۴} مجازات لازم است، مجازات باید متناسب با شدت جرم و درجه مسئولیت طفل برای جرم باشد. همچنین در تعیین مجازات می‌بایست احقاق حق^{۱۵} صورت بگیرد، به این ترتیب که کودک مسئول و جوابگوی جرم ارتكابی با مجازاتی منصفانه با نتایج معنادار برای کودک و ارتقاء توان‌بخشی او و استقرار مجددش در جامعه باشد. در تعیین مجازات تدارک مساعدت مورد نیاز^{۱۶} کودک نیز در زمینه‌های آموزش، تعلیم، ... می‌بایست مدنظر باشد. (اصلاحات کیفری بین‌المللی، ۲۰۱۳: ۷۷-۷۴)

هنگام تعیین مجازات باید به کاربرد اثربخش مقررات^{۱۷} توجه ویژه شود، به عنوان مثال مجازات‌های اجتماعی نیاز به نظارت به وسیله مقام صلاحیت‌دار دارد. در تعیین مجازات نیاز به بکارگیری افراد متخصص و حرفه‌ای و تعلیم‌دیده^{۱۸} مورد تأکید می‌باشد. قواعد پکن آموزش‌های حرفه‌ای، تعلیمات ضمن خدمت، دوره‌های آموزش و روش‌های مناسب دیگر را به منظور حصول اطمینان از صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای تمامی پرسنلی که به پرونده‌های کودکان رسیدگی می‌کنند، ضروری می‌داند. (همان منبع، ۸۱-۸۰)

۴. مرحله اجرای مجازات حبس (بازداشت):

محرومیت از آزادی نوجوانان باید به‌عنوان آخرین راه‌چاره، برای حداقل مدت ضروری و محدود به موارد استثنایی باشد.^۴ در دوره توقیف، نوجوانان از تضمینات حقوق بشری در دسترس بزرگسالان، بهره خواهند برد.^۵ هدف اصلی از برخورد با هر کودک که مقررات جزایی را نقض کرده است، اصلاح او، همبستگی مجدد او در خانواده‌اش و توانبخشی اجتماعی (استقرار در اجتماع) است.^۶ هدف از آموزش و درمان نوجوانانی که در مؤسسات نگهداری می‌شوند مراقبت و

6. Trial

7. Avoiding undue delay

8. A fair and just trial

9. Child – friendly environment

10. Legal counsel and representation

11. Parents and guardians

12. Right to be heard and to express views

13. Sentencing

14. Proportionality

15. Adjudicating and disposing of cases

16. Provision of needed assistance

17. Effective implementation of disposition

18. Need for professionalism and training

4. Havana Rules, Rules 1, 2, 19

5. Universal Declaration of Human Rights, Article 2; Havana Rules, Rule 13; Convention on the Rights of the Child, Article 37

6. African Charter on the Rights and Welfare of the Child, Article 17; American Convention on Human Rights, Article 5

حمایت از آنهاست و همچنین مساعدت در تأمین تمام نیازهای فردی، اجتماعی، آموزشی، شغلی، روانی، جسمانی، بهداشتی که بر اساس سن، جنسیت و شخصیتشان لازم دارند.^۷

بچه‌های محروم شده از آزادی می‌بایست جدای از بزرگسالان باشند.^۸ همچنین محل نگهداری آنها باید براساس نیازهای خاص آنها، احتیاجات خاصشان براساس سن، شخصیت، جنسیت و نوع جرم و همچنین سلامتی جسمانی و روانی آنها و حصول اطمینان از حمایت و حفاظت آنها از ورود صدمه و وضعیت‌های خطرناک باشد.^۹

نوجوانان در بازداشت باید اطلاعات در مورد قواعد حاکم بر امکانات بازداشتگاه، نام و نشان مقاماتی که می‌توانند به آنها شکایت کنند، معاضدت‌های حقوقی داشته باشند. پرسنل مربوطه بلحاظ کمیت و کیفیت (تخصص‌های لازم) باید مناسب باشند. مراقبت‌های پزشکی و خدمات مربوط به نوجوانان در بازداشت داده شود، اوقات فراغت روزانه و ارتباط با دنیای بیرون داشته باشند. نقض حقوق بشر و رفتارهای تزدیلی نسبت به آنها ممنوع است و آنها حق درخواست و شکایت دارند.^{۱۰}

به منظور سر و سامان دادن به خودزنی کودکان در توقیف، اداره زندان انگلستان از سیستم برنامه‌ریزی مراقبتی به نام ACCT^{۱۱} استفاده می‌کند. این سیستم به زندان اجازه می‌دهد که کودکان را به دقت نظارت کند، آنها را در روش‌های طراحی به منظور کاهش مشکلات آنها و کمک برای ساختن منابع حمایتی خودشان، مشغول کنند. کودکان تماماً درگیر پروسه ACCT هستند. آنها مصاحبه‌هایی با مشاور تعلیم دیده در مورد طرح مراقبتی فردی تنظیم شده، دارند. سپس آنها در بازدیدهای منظم یک مورد حضور پیدا می‌کنند، جایی که مسئول مربوطه، مراقبت و حمایتی را که آنها دریافت می‌کنند بازدید می‌نماید. این طرح مراقبت، مشکلاتی را که موجب اندوه کودک شده که منجر به خودزنی و یا تلاش برای خودکشی گردیده عنوان خواهد کرد و همچنین راه‌های برخورد با نیازهای کودک بدون این که نیازی به خودزنی باشد را تشخیص می‌دهد. طرح مراقبت همچنین بر ارتباط زندانی با اشکال دیگر حمایت و کمک در زندان مانند هیأت‌های سلامت روان^۱ نظر دارد. (همان منبع، ۱۰۰)

7. Beijing Rules , Rules 13, 26

8. Convention on the Rights of the Child, Article 37

9. Havana Rules, Rules 28, 29

10. Havana Rules, Rules 24., 83, 49, 47, 59, 67, 76

11. Assessment, Care in Custody, and Teamwork

1. The Mental Health Teams

2. Standard Minimum Rules For the Treatment of Prisoners 1955, Rule 55; Optional Protocol the Convention Against Tortures

3. Havana Rules, Rule 72

4. Qualified medical officers

5. Inspection authority

6. The public health service

7. Havana Rules, Rule 73

بازرسی منظم از جایی که مردم از آزادیشان محرومند می‌بایست بوسیله هیأت‌های بین‌المللی و ملی مستقل که متشکل از بازرسان صلاحیتدار و با تجربه و منصوب شده توسط مقامات صلاحیت دار هستند، صورت بگیرد. وظیفه بازرسان حصول اطمینان از اداره شدن نهاد یا سازمان مورد نظر طبق قوانین و مقررات موجود و جلوگیری از شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تزدیلی است.^۲

بازرسان اجازه دارند بدون خبر دادن، طبق ابتکار عمل خود، بازرسی‌شان را انجام دهند. آن‌ها باید دسترسی موسع به همه کودکان و همه پرونده‌ها و سوابق و بایگانی این ساختمان‌ها و تسهیلات داشته باشند. هر نوجوان حق دارد بطور محرمانه با هر افسر بازرس صحبت نماید.^۳ افسران صلاحیت‌دار بهداشت^۴ وابسته به مقامات بازرسی^۵ یا سرویس سلامت عمومی^۶ باید در بازرسی روی شرایط زندگی نهادی که مؤثر بر سلامت جسم و روان نوجوانان است، مشارکت نمایند.^۷

بعد از انجام دادن بازرسی، بازرس باید گزارشی از یافته‌هایش مشتمل بر ارزیابی رعایت و مطابقت امکانات با استانداردهای بین‌المللی و قوانین داخلی و توصیه‌هایی برای گام‌های صحیح ضروری برای حصول اطمینان از رعایت این استانداردها ارائه نماید. در مواردی که خشونت علیه حقوق کودکان کشف گردد، می‌بایست به مقامات صلاحیت‌دار برای بازجویی و تعقیب اعلام گردد.^۸

هر نوجوانی حق ارائه درخواست یا شکایت بدون سانسور کردن اصل موضوع به اداره مرکزی یا مرجع صلاحیت‌دار قضایی یا دیگر مقامات اختصاصی، از طریق سلسله مراتب مصوب و مطلع شدن از پاسخ بدون تأخیر، دارد.^۹

در انگلستان هر نهادی، که افرادی در آن نگه داشته می‌شوند تحت بازداشت قانوناً ملزم به داشتن هیأت‌های نظارت مستقل^{۱۰} هستند. این هیأت‌ها متشکل از افرادی است که تعلیم داده شده‌اند و کسانی که دسترسی موسع در هر زمان به مکانی دارند که تحت نظارت آن‌هاست. همچنین آن‌ها با هر یک از افراد توقیف شده که بخواهند و یا درخواست محرمانه جهت ملاقات با اعضای هیأت مذکور ارائه کرده باشد اجازه صحبت کردن دارند. یک تیم از این هیأت بطور منظم و مکرراً مرکز توقیفی را بازدید می‌نماید و کل هیأت یک بار در ماه به منظور صحبت کردن درباره موضوعات مرتبط با مرکز نگهداری، نشست دارند. هر هیأت سالیانه گزارشی در مورد مرکز نگهداری ارائه می‌نماید. (همان منبع، ۱۱۲)

8. Havana Rules, Rule 74

7. Havana Rules, Rule 76

8. Independent Monitoring Boards (IMB)

نتیجه گیری

واکنش‌های اجتماعی نسبت به اطفال و نوجوانان معارض با قانون مستلزم تصمیمات کارشناسانه و حرفه‌ای می‌باشد. از یک طرف با نظم جامعه روبه‌رو هستیم که در نتیجه ارتکاب جرمی، خللی به آن وارد گردیده و از طرف دیگر با بزهکار مواجهیم که بیشتر از بزهکاری، بزه‌دیده است.

علاوه بر اتخاذ تدابیر لازم در انتخاب نحوه برخورد با این اطفال و نوجوانان، همواره می‌بایست مدنظر داشته باشیم که آن‌ها نیازمند تدابیر حمایتی بعنوان یک بزه‌دیده هستند. از اولین مرحله برخورد با این گروه از اطفال و نوجوانان باید پوشش‌دهی حمایت‌های مربوط به طفل بزه‌دیده شامل حال آن‌ها گردد. همچنین همواره می‌بایست تلاش کرد تا از بزه‌دیدگی ثانوی آن‌ها جلوگیری شود.

اصلاح و بازپروری و توانبخشی و نهایتاً برگرداندن بزهکار به زندگی سالم در جامعه، در خصوص بزهکاران بزرگسال نیز همواره بعنوان یک هدف آرمانی مدنظر بوده است؛ در خصوص اطفال و نوجوانان معارض با قانون از آنجایی که کودکان را راحت‌تر از بزرگسالان می‌توان با تغییر الگو، در تغییر مسیر زندگی قرار داد قطعاً تلاش‌هایی که در این راستا صورت می‌گیرد، اثربخش‌تر و مثمرتر خواهد بود.

ارتقاء توانبخشی و استقرار مجدد اطفال معارض با قانون در جامعه با نقشی سودمند و سازنده، از حقوق مسلم و بدیهی این اطفال بوده و در راستای احقاق این حق، تمام دست‌اندرکاران و مرتبین با اطفال به سهم خود می‌بایست ایفای نقش نمایند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)، **جرم‌شناسی پیشگیری**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: بنیاد حقوق میزان.
- الرود، پرستون، رایدر، آر. اسکات (۱۳۹۲)، **دادرسی ویژه نوجوانان**، مترجم احمدرضا علیزاده و محمد بارانی، چاپ اول، تهران، نشر ایمان.
- خالقی، علی (۱۳۹۰)، **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات شهر دانش.
- رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۹۰)، **بزه‌دیده‌شناسی**، جلد یکم، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- سرجیو پینه‌رو، پائولو (۱۳۸۳)، **گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان**، ترجمه علیرضا یارپور، تهران: یونیسف.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، «**رویگرد حقوقی به طفل در معرض خطر در حقوق ایران و انگلستان**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.
- گراهام، جان (۱۳۸۳)، «**تأثیر مداخله‌های زودهنگام روان‌شناختی - اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری**»، ترجمه یاسمن خواجه‌نوری، حقوقی دادگستری، (۴۸ و ۴۹): ۳۰۷-۳۳۰.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۳)، «**کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی**»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تحلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷)، **دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، (دیباچه)، چاپ یکم، تهران: نگاه معاصر.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۱)، **پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)**، چاپ اول، تهران: سمت.
- مهرا، نسرين (۱۳۸۶)، «**نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز**»، تحقیقات حقوقی، ۱۰(۴۶): ۷۵-۹۸.

References:

- Becker, H. Out Siders (1963). **New York**, Free Press, Ch. 11.
- Cohen, S., (1985). **Visions of social Control**, Cambridge: Policy.
- **Committee on the Rights of the Child** (2016). Concluding Britain and Northern Ireland.
- Drake, Brett & Pandey, Shanta (1996). **Understanding the relationship between neighborhood poverty and specific types of child maltreatment, child abuse and neglect**, 20(11): 1003-1018.
- Penal Reform International (2013). **Protecting Children's rights in criminal Justice systems**.
- Pierpoint, Harriet (2008). **Quickening the PACE? The use of Volunteers as appropriate adults in England and Wales**, Policing and Society, 18(4): 397-410.